

فهرست مطالب
عنوان

صفحه

مقدمه

الف - شرح احوال

1- احوال شخصی

- 1-1- نام و نسب 1
- 1-2- تاریخ و محل تولد 2
- 1-3- خاندان 3
- 1-4- تحصیلات 4
- 1-5- شغل 5
- 1-6- مذهب 7
- 1-7- اخلاق 8
- 1-8- سفرها 11

2- احوال اجتماعی - ادبی

- 1-2- طرزى و شعرش 20
- 2-2- تخلص طرزى 22

23	3-2-ممدوحان طرزی
26	5-2-طرزی وشاعران دیگر
28	ب-آثار
30	ج-سبک شعری طرزی افشار
37	1-سطح زبانی
37	الف-سطح آوایی
38	الف-1-موسیقی بیرونی
40	الف-2-موسیقی درونی
42	الف-3-موسیقی کناری
47	ب-سطح واژگانی(لغوی)
47	ب-1-بسامد بالای لغات ترکی
47	ب-2-بسامد پایین واژگان عربی
48	ب-3-کثرت کاربرد فراوان افعال با پیشوند «می»
48	ب-4-کاربرد حروف به معانی مختلف
49	ب-5-کاربرد واژگان به معانی خاص
50	ب-6-کاربرد واژگان کهن
50	ب-7-تکرار کلمات

- ج-سطح دستوری(نحوی یاسبک شناسی جمله) 51
- ج-1-آوردن «وز» به معنای «و از» و همچنین «وز» به معنای «و اگر» در آغاز مصراع دوم..... 51
- ج-2-بسامد بالای جمع بستن اسم و صفت با «ان»..... 51
- ج-3-ضمایر 52
- ج-4- فاصله افتادن بین «می» و فعل..... 52
- ج-5- حذف رای مفعولی..... 53
- ج-6- مقدم داشتن «می» بر نون نفی..... 53
- ج-7- کاربرد فعل امر، بدون «ب» 53
- ج-8- مقدم داشتن فعل بر متمم و مفعول..... 53
- ج-9- ایجاز یا کوتاهی جملات 54
- ج-10- جمع مکسر برای کلمات غیر عربی 54
- ج-11- آوردن اسامی و صفات با کاف تحبیب..... 54
- 2-سطح ادبی 55
- 2-1- اضافه‌ی تشبیهی..... 55
- 2-2- تشبیه..... 56
- 2-3- استعاره..... 56
- 2-4- کنایه 57
- 2-5- ایهام 58
- 2-6- مراعات نظیر..... 59

- 60..... 7-2- تلمیح
- 61 8-2- تضاد.....
- 62 3-سطح فکری
- 66 4-روش تصحیح نسخه ها

قصاید

- 71 به من داد میرزا نعیم استری را
- 76..... ملاقیدند خوش با همدگر سلطان و خانینا.....
- 77 به دهر کهنه نوبهار پیدایید.....
- 79 به خدمت تو ایا میرزا علی مقصود.....
- 79 الهی تو این سرور بنده پرور
- 81 زهی زهیبت تیغ تو ارسلان عاجز
- 82 رسید دست به هم داده با صبا نوروز
- 84 آنم که در مقدمه‌ی طرز و اختراع
- 87 .. دلا فسرده دلیدم ز شهرهای عراق
- 92 ... ای ایده از خدنگ نگاهت فکار دل.....
- 93 باز افتاده هوااییم به سر می‌رشتم.....
- 96 اگر چه مبتلای محنت دشت مغانیدم
- 98 به عزم آستان بوسیدن شه می‌صفاهانم

- 99 به عزم کعبه‌ی مقصود بر راه
- 100 زهی ز کلک تو روی زمین نظامیده
- 102 برونیدم چو دیدم اصفهان محنت سرايیده
- 104 تا کی دلا به شهر صفهان مکرری
- 107 هر که می‌مخبرد از خوشدلی و خوشحالی

غزلیات

- 109 چو من کار کسی مشکل مبدا
- 110 آن زلف که هست چون کمندا
- 110 دگر ای چرخ از افلاس عریانیده‌ای ما را
- 111 ای شده بانی جور و جفا را
- 111 خواهد جدا اید زمحبان حبیب را
- 112 با من دلخسته ای دلدار جنگیدن چرا؟
- 113 می کماناند کجی گه بند و گه زنجیر را
- 113 مگو که دیده به هر سوی مایل است مرا
- 114 ابتدی باسم ربّی‌الاعلی
- 115 هزاران شکر ربّ‌العالمین را
- 115 تا آفتاب چهره عیانیده ای مرا

- 116 تاشده بالای بلندش بلا
- 117 شاها تورا ندیده سلامیده‌ایم ما
- 117 عزت ما هر که می‌دارد نمی‌خورد ز ما
- 118 گه در فراق روی تو کاهیده‌ایم ما
- 119 در دیده‌ی من ای که بهی از ثقلینا
- 120 برحم ای دلبر آخر بر دل و جان حزینینا
- 120 تا ابروی تو دیده جنونیده‌ایم ما
- 121 به خشم و جور میازار دلبرای دل ما
- 122 احمد مرسل امام انبیا
- 122 ای دل بشاد و از غم دوران ماضطراب
- 123 زتاب آتش دل شعله در جان من است امشب
- 123 زیبا درآمدم ای سروقد ز رفتارت
- 124 دلم که سینه‌اش آماجگاه صیّاد است
- 125 ملک مجنون زعاقلان بیش است
- 126 جانای دل شکسته‌ی بیمار نازک است
- 126 مسکنت را زال تسلیم و تواضع همدم است
- 127 ماه منقوش سقف خانه‌ی ماست
- 127 ما را چه خبر ز سال و ماه است
- 128 عکس روی تو در آب افتاده است

- 129 این چه طرز و طور مندیلیدنست؟
- 129 مست و مدهوشم و دیوانه که آن هم طرزی است
- 130 تا چند عمر من گذرد در خیال دوست؟
- 130 شاه من بر من ترخم کردنیست.
- 131 ز روی دوست رویی خوبتر نیست
- 132 ره مخوفست ای رفیقان یار می باید گرفت
- 133 ای کم نما دیدار من بسیار می مشتاقمت
- 133 تو پادشاه حسنی و من می گدایمت
- 134 بدیعا آدمی پنداشتم روز نخستینت
- 135 ای چشم دلم روشن از نرگس شهلایت
- 135 پی فیض نوری ز خورشید رویت
- 136 بود از تو چشمیدن احسان عبث
- 137 ای لب غیبت شکر بحدیث
- 137 لطف دارد به رقیبان مخالف چه علاج
- 138 به جاهل عجوز سرای سپنج
- 138 خطّ تو سطر کتاب خجسته فال فرح
- 139 گشت از دهانت ای بت شیرین سخن ملیح
- 139 چه باشد ار به رخت می نظاره ام گستاخ
- 140 ای ز خط سیهت عنبرسارا منسوخ

- 140.....چو باغیر آن دلربا می شرابد
- 141.....با جمالی که ز خورشید بسی می خوبد.....
- 142.....با من دمی که دبر من می عنایتد.....
- 142دلّم از بهر یار می دردد.....
- 143الا ای مه که زلفت می کمندد
- 144کسی کز یارشیرین می بعیدد.....
- 144کنون از سبزه و گل دامن صحرا صفا دارد.....
- 145.....سرم سودای گیسوی تو دارد
- 146.....خوشا آن سرکه سامانی ندارد.....
- 147فقیه از عشق خوبان می فرارد.....
- 147ای که در آتش غمت می دل ماسمندرد.....
- 148از خواب چو نرگس تو برخیزد
- 148.....دل من از نگاه نرگس جانانه می حظّد.....
- 149هرگه که آن نگاربه ما می تواضعد.....
- 150.....کجا مه چون جمالت می کمالد.....
- 151پنداشتم که بر من و بس می تغافلد
- 151.....دلبر رفته که سرتا به قدم ناز آمد
- 152.....ز گفتار تو موتی می کلامد.....
- 153یار بر حال ما نمی رحمد

- 153 ما را دل از مضایقه‌ی جان نمی‌غمد
- 154..... کسی که فقر‌گزید در فلس نمی‌وهمد
- 155 ز ابروی پریشان بتی دل می‌پیشاند
- 156 مرا آن سنگ‌دل می‌امتحانند
- 157 خوبان زمانه می‌نشاطند
- 157..... گر چنین خون جگر از مزه می‌باراند
- 158 خورشید طلعتان که ز ما می‌تغافلند
- 160 رفتند حریفان که بشادند
- 160 ز هجر عزیزیم دل می‌حزیند
- 161 لب و ابروش می‌سرکنگبیند
- 162..... بر خرخشم و غضب گر نسواری چه شود؟
- 162..... که گل را به روی تو می‌اشتباهد؟
- 163 می‌طرزم و می‌لرزم دیوانه چنین باید
- 164 تو آن ماهی که مه‌رت می‌سهابد
- 164 آن پادشاه حسن که عرض تجملید
- 165 آن که بر روی خود آینه وشم حیرانید
- 166 ایهاالناس متنباکوید
- 166 مرا مباد در این عالم مجاز ملاذ

- 167.....ای لبث از چشمه ی کوثر الذ.....
- 168 هست ز دیدار تو طعم تماشا لذیذ.....
- 168 به بوی مویی از وی می کنم صبر
- 169 کارت ای دوست بی وفایی در
- 170 ای غافل از حساب حسابی شمار عمر
- 170 چه شد که می فلکد مرغ در گه پرواز؟
- 171 اگر یارم شوی ای مایه ی ناز
- 171 ز اکتساب وصال چنان شدم عاجز.....
- 172..... رفتید یار و نقش رخس در نظر هنوز
- 173 پیش ایوان تو ای مهراقبتاس.....
- 173 گلندامی و گلزاری مرا بس.....
- 174 مرهم داغ دل ما حاصل جان است و بس
- 175 زهی ذکر لعل تو نقل مجالس.....
- 176 بودی گرم به خاک قدوم تو دسترس.....
- 176 مرا جفای تو ای دوست آزمودی کاش
- 177 خوشا کسی که رهید از جهان و دردسرش.....
- 178..... نیست بجز قتل ما فکر و خیالیدنش.....
- 179 ز بس بی باک من تندیده خویش.....
- 180 روی تو هر که دید ز غم می شود خلاص.....

- 180 پیش همه شد مهر تو ای شاه مشخص
- 181..... نگارا می‌تراید عاشق بیدل به جان مخلص
- 182..... در تب عشق تو جانا می‌طید بسیار نبض
- 183..... ای صبا حال ما بیار بعرض
- 184..... برشیفته‌ی دلشده جانا متعرض
- 184 جانا تو را که گفت که با ما ماختلاط؟
- 185 تا گرد لاله‌تین عذارش دمیده خط
- 185 زلام لب یار بالید لفظ
- 186 ای زلعل تو کام جان محظوظ
- 187..... منم آنکه از برای تو طرزک تازه کرده‌ام اختراع
- 188..... ای در نظرم نرگس شهلائی تو مطبوع
- 188..... چشم مستت خرد و عقل و دل و دین مجموع
- 189..... کراست بی گل رویت به سیر باغ دماغ
- 190 اگر خود می‌رود برآسمان مرغ
- 190..... ای دل مسهل و واقعه‌ی عاشقی ملاف
- 191 خوشا مصاحبیدن به همدمان ظریف
- 192 مگرکوی تو باشد جای عاشق
- 192..... روی تو در عرق چو گل اندر گلاب غرق
- 193 خوش آنکه خاک رهگذر از ره نکرده فرق

- 194 ای صبا از رخس نقاب سبک
- 194 قرص خورشید و نمکدان مهوخوان فلک
- 195..... پراست راه طبیعت ز چاه تیره و تنگ
- 195 من از کجا و بوسه از آن روی لاله‌رنگ
- 196..... در بر برد چو سرو روانم قبای آل
- 196 ای گشته از خدنگ نگاهت فکار دل
- 197..... ای پیش آفتاب رخت ماه منفعل
- 198..... غیر سروم که ز سرآمده تا پا مقبول
- 198 ای در فراق دیده‌ی عشاق کرده سیل
- 199 ای خرابیده جهانی از خرام
- 200 نه در کنجی نهان چون منعمان می ارده دوشایم
- 201 ز تاب مهر ماهی با تبستم
- 201 ز کویت همره سیل سرشک ای کینه‌جو رفتم
- 202 در ره عشق التفات یار اگر می‌یاردم
- 203 کسی نماند که بتوان ستود از این مردم
- 203 کجا بودی که مشتاقیده بودم؟
- 204 دوش با یاد سهی سروقدی خوابیدم
- 204 عنان به مهر تو از ظلّ زهد تا
- 205 ترکیدم و تاتیدم و آنکه عربیدم

- 206 لب شیرین یار ماچیدم
- 206 دوش در هجریار زاریدم
- 207 از بلدهی همدان به صفهان سفریدم
- 208 دلبر از غم توپیریدم
- 209 در غمش گرچه تن گدازیدم
- 209 بی تو هرگاه سیر باغیدم
- 210 گرچه طرز نو اختراعیدم
- 211 مصوّرآ نه که یکبار یا دوباریدم
- 211 از شرم رخت ای گل خودرو عرقیدم
- 212 گرچه با عقل آسمانیدم
- 213 عمری از دور می نگاهیدم
- 213 گلی دیدم که صد ره به بهیدم
- 214 موسی طرز و طور و شجر خود دارم
- 214 چه سازم با دل مسکین چه سازم؟
- 215 دلم گرفت ز جاها چرا نتبریزم؟
- 216 اگر می حریرم اگر می پلاسّم
- 216 اگر بی تو هرگز شراییده باشم
- 217 در فراق چند غمگینیده و نالیده باشم؟
- 218 طعنه بر من ای یار نمی طهرانم

- 219 سنکا معلوم اوله کیم بنده نمی طهرانم
- 219 به یاد روی جانان می فغانم
- 220 عاقلم عاقل و فرزانه نمی قلیانم
- 220 می رقیبید گلعدارم چون کنم؟
- 221 کجا روم چه کنم چون کنم چه چاره کنم؟
- 222 اگر جمالت ای مه بمیسترد که بینم
- 222 تا کی جفا کشیم ز دونان و طولهم؟
- 223 شکرالله که ما مگیدیم
- 223 به قربانت به قربانت به قربان
- 224 به آب و آتش افتد مسلم و هندو پس از مردن
- 225 چه لایق است به اغیار اختلاطیدن
- 226 ای از تو ما را دل در طپیدن
- 225 ز سرمای شب دوشین کشیدم گوشمالیدن
- 226 می صعبد اگر چه آشناییدن
- 227 شب همه شب ز هجر تو سوخت تن زار من
- 228 باد صبا برون ز حدید انتظار من
- 229 بیمار درد عشقم و آن لب دوای من
- 229 این شش در جهان که ندیدم گشاد از او
- 230 مرو که نیست مرا طاقت مفارقت تو
- 230 تو شمع و مرغ جان پروانه‌ی تو

- 231 تا شده سر حلقه‌ی بتان سمن‌رو.....
- 232..... ای که می تند روی برسر اسبان بدو.....
- 232 ای یافته ز مهر رخت ماه مرتبه.....
- 233..... ای تماشای ماه رویت به.....
- 234 کشد سوی مراد از صبر کار آهسته آهسته.....
- 234 درفراق رخ آن مه‌پاره.....
- 235 زهر بلا خوردن می غرغشه.....
- 236 جانا مکن ز یار وفادار دغدغه.....
- 237 دشنام داده‌ای و مرا شاد کرده‌ای
- 237 ز من یوسفا تا بعیدیده‌ای.....
- 238 ای که در شیرین زبانی شگرستانیده‌ای.....
- 240 چرا ای که جان جهانیده‌ای.....
- 241 مدتی میرآخور غیریدم از بی‌مرکبی.....
- 242 مگر از باده بیهوشیده بودی؟.....
- 242 ای که درغم دوری قدّ من کمانیدی.....
- 243 قاصدا از خبرصلح مرا شادیدی.....
- 244 ما را دیدی و تغافلیدی.....
- 244 اگرآن سرو سیمین‌ساق با من سینه صافیدی.....
- 245..... الا ای که هستی نگار کسی.....

- 246 قدم گرسوی ما می رنجه داری
- 247 ای که گاهی به ما نمی نظری
- 248 درعاشقی آیت است طرزی
- 248 ای پری پیکر که گویند از گروه چرکسی
- 249 داری اگر دماغ به حال کسی رسی
- 249 هرچند ز ما گریز باشی
- 250..... به پیغامی اگر یادیده باشی
- 251 مبادا که از ما ملولیده باشی
- 252 به مرهمیدن هر دل شکسته می کوشی
- 252 افتاده دل به دامک وحشی نگاهکی
- 253 مرا هست از غم ابرو هلالی
- 254..... آن بخت نداریم که بر ما بنگاهی
- 255 دلم دیوانه‌اید از طفل راهی
- 256 تنم را گدازید طرز نگاهی
- 256..... ای بی سبب ز یاران قطعیده آشنایی

ترجیع بند

- 258 ای در قامت قیامتیده

قطعات

- 266 لله الحمد از حوادث دهر.....
- 266 سلیمان زمان عباس ثانی.....
- 268 خلف آدم ای خلیفه لقب.....
- 268 صاحباً مدتیست چون طرزی.....
- 269..... ایها النواب سلطان ملجاء ایرانیان.....
- 270 مکرر شدی طرزی در شماخی.....
- 270 بحمدالله از فضل حق بحرفضلی.....

رباعیات

- 272..... خالی ز تو مملکت مبادا خانا.....
- 272..... ای صدرنشین بی‌عدلیدنها.....
- 272..... ای آن که به سر می‌قدمی همچو فرات.....
- 272..... ای سیدسادات که حرفت سند است.....
- 272..... نواب مصدعیدنم ناچار است.....
- 272..... هرکس که نه عیب خویش بیند کوراست.....
- 273 ای آن که چو طرزیت ثناگستر نیست.....
- 273 ای سید والاگهر پاک‌سرشت.....
- 273..... دایم رخس دولت خان در زین باد.....

- 273..... شطّالْعربی که روز و شب می‌مدّد.....
- 273..... هر نیک و بدی که در جهان می‌سیرد.....
- 273..... چون طالب یار قطره می‌باید زد.....
- 274..... ای آنکه کسی به کنه ذاتت نرسد.....
- 274..... هر چند در این دیر بلا باشد.....
- 274..... در بلدهی بصره در ره خیر بلد.....
- 274..... کعبه نه رهش به راهها می‌ماند.....
- 274..... یارب حالّم بیهده باشد چه شود؟.....
- 274..... نه ماه به سعی آنکه نه ما بدهد.....
- 274..... اسبم که ز پای تا به سر می‌سپهد.....
- 275..... ای آن که وجودت ز اطبّا فر دید.....
- 275..... طرزی به امید این که خواهد شاهده.....
- 275..... شاهی که به نور عدل پرتو چو مهید.....
- 275..... طرزی ز برای باشه دلتنگ مباح.....
- 275..... این نه تومان وظیفه کز بهر معاش.....
- 275..... این استر افشار که می‌مالیدش.....
- 275..... تعمیر گرفت این مبارک منزل.....
- 276..... صد شکر که بر مراد فیروزیدم.....
- 276..... در گنجّه ز غصّه گرچه لبریزیدم.....

- 276..... آنم که ز فضل تو نمی محرومم.....
- 276..... میرزا ز تو غمگساری می خواهم.....
- 276..... شهمار به پویه مست چون گنج روان.....
- 276..... اگنده قبای آبی آن سروروان.....
- 276..... کو؟ بت شکنی همچو خلیل الرحمن.....
- 276..... آن باشه که برده بود از دل غم من.....
- 276..... این خلعت نواب همایون میمون.....
- 276..... جزاهل سفر کسی در این دهکده کو؟.....
- 276..... لیلی وش فلانه آن مست نگاه.....
- 276..... ای کز کرم حاتم طی شرمنده.....
- 277..... این جان دادن چو هجرتو مشکل نه.....
- 277..... ای کرده مدار خویشتن دودکشی.....

مثنوی

- 279..... دوش در عالم فکریدن ها.....
- 280..... ز هجرت هزار و یک و شصت بود.....
- 280..... به دستم گل اندامی افتاده بود.....
- 281..... در میان جماعت افشار.....
- 283..... گرچه جوشید آتشین طوفان.....

- 285 ای کرم کهنه به نام تو نو.....
- 286 اگر بارگیری به جای بدو.....
- 286 فغان از دست ارباب تصدی

بحرطویل طرزی افشار

- 291..... اگرم ایزد غفّار شود یار.....

اشعار ترکی

- 293 طرزی بنم که حاسدم آتش علاویام.....
- 293 پرواز لندی دل ینه بغداد لنمقه.....
- 296 غم چکمه دلا حج یلی اودر در.....
- 296..... گر گل بنی خوار و زار و حیران ایتدی.....
- 296..... خاناسنه سال و ماه بیرام اولسون.....

تعلیقات

- 297 شرح اشارات و ابیات دشوار.....
- 321 لغات دشوار.....
- 327..... فهرست آیات.....
- 329 فهرست احادیث.....